

شعرهای یوگا: خط به خط، تا که از هم بگشاییم



من با شعر ایسا لویتس یکی از الهامبخش ترین تجربه های زندگیم بوده است. من بی درنگ عاشق شعرهایش شدم. سبک خاص بیان او به تجربه جسمانی اجرای یوگا اوایی زیبا و خیال انگیز می بخشد. با خواندن مکرر اشعارش به این نکته واقف شدم که اشعار او را چقدر روان می توان به فارسی برگرداند. آنگاه، دیگر تردید نداشتم که باید به ترجمه اشعار زیبایش اقدام کنم. با او تماس گرفتم و زمانی که پاسخ سخاوتمندانه اش را دریافت کردم که اجازه می دهد تا برگزیده اشعارش را به فارسی ترجمه کنم، از هیجان سرشار شدم. من نه فقط از اینکه ایسا لویتس دیدگاه های گرانبه تر معنوی خود را درباره یوگا با خوانندگان اشعارش سهیم شده است، بلکه از محبت او که به من اجازه داده است تا دامنه این دیدگاه ها را به خوانندگان

عشق و حمایت همسرم ممنونم که مرا در طول چالش های بسیار زندگی همراهی کرده است. شعر ایسا لویتس الهامبخش است. شعرها در حالی که درباره حالت های یوگا سروده شده اند، ولی به چالش های بزرگتر و بسیار زندگی ارتباط دارند و از تمرین جسمانی فراتر رفته و با جنبه های متعدد معنوی زندگی ارتباط پیدا می کنند بطوری که کسانی که با یوگا سر و کار دارند و یا حتی ندارند، این جنبه ها را درک می کنند. من افتخار دارم که با ترجمه این شعرها غنای اشعار لویتس را با جامعه فارسی زبانان تقسیم می کنم و امیدوارم این خوانندگان از عمق اشعار ایسا لویتس لذت ببرند همانطور

فارسی زبان گسترش دهم، سپاسگزارم. ایسا در طول جریان ترجمه ها، مرا با مهریانی یاری کرد و صبورانه به پرسش های بسیاریم، پاسخ داد. باید از حمایت پیتر گوودمن^(۳) نیز تشکر کنم که اجازه داد تا این ترجمه را از متن اصلی انگلیسی آن که توسط استون بریج پرس^(۴) منتشر شده است، استفاده و دنبال کنم. اجرای این طرح بدون اینار و کوشش های ماهریم میمنت خوالقدر- میرصادقی امکان نداشت. از او سپاسگزارم که مرا در ویرایش و تهذیب یکایک این شعرها یاری داده و در یافتن سکون و سرور در شعر، الهامبخش بوده است. همچنین از



گزیده اشعار ایسا لویتس ترجمه: نازنین میرصادقی

از نازنین میرصادقی تاکنون ترجمه های گوناگونی از زبان اسپانیایی به فارسی منتشر شده است: صد شعر عاشقانه: برگزیده اشعار پابلو نرودا، چکامه ها: برگزیده اشعار پابلو نرودا، رافائل آلبرتی: شاعر دریا، مردم و آزادی (ترجمه مشترک با رامین مولانی)، برگزیده اشعار فدریکو گارسیا لورکا (ترجمه مشترک با زهرا رهبانی). دو زمان «ببر سفید» از اویند ادیگا و «برگ های مرده» از یاریارا جیکوبس نیز ترجمه کرده است که قرار است از سوی انتشارات ایران بان و نگاه در ایران منتشر شود.

«شعرهای یوگا: خط به خط، تا که از هم بگشاییم»، تازه ترین ترجمه نازنین میرصادقی از گزیده اشعار ایسا لویتس^(۱) است با طرح هانی از آنجا پورگستر^(۲).

ایسا لویتس در سال ۱۹۶۲ در سانفرانسیسکو به دنیا آمد. در زمینه نویسندگی خلاصه / ادبیات ژاپنی به تحصیل پرداخت و در این رشته از دانشگاه یو. سی. برکلی فارغ التحصیل شد. او که از اوایل ۱۹۹۰ تاکنون در توکیو بسر می برد، کتاب های بسیاری در زمینه شعر، رمان، و ترجمه در آمریکا منتشر کرده و جوایز متعددی نیز دریافت کرده است.

نازنین میرصادقی که شعرهای این کتاب را از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده است، در پیشگفتار کتاب که معلوم نیست چرا به انگلیسی است، می نویسد: آشنائی

که مرا به فکر این سفر معنوی انداخت.

ترجمه فارسی میرصادقی مثل اشعار لویتس به زبان انگلیسی، روان و دلچسپ است. انگار مترجم آنها را به زبان شیرین فارسی بازسرانی کرده است. در اینجا ترجمه یکی از اشعار لویتس را می آوریم و مطالعه آن را به دوستان شعر توصیه می کنیم. برای تهیه این کتاب می توانید با وب سایت زیر تماس بگیرید.

www.nazaninmirsadeghi.com

کش و قوس به سوی غرب

کنفسیوس گفته است:

اگر به هنگام غروب آفتاب، حقیقت را در یابم
با طلوعش،

آماده جان سپردن خواهم بود.

اما کدامین غروب؟

کدامین طلوع آفتاب؟

کدام حقیقت؟

*

اگر من به هنگام طلوع آفتاب، جان بسپارم
به غروبش آیا.

دوباره زاده خواهم شد؟

اگر حقیقتی که آموختم

دروغی بیش نبود

آیا رخصت دوباره زیستن

ارزانی ام خواهد شد؟

*

اگر دروغی که آموختم

حقیقت از آب در آمد،

و من دیگر جان سپرده ام

جایگاه من امشب و فردا کجا خواهد بود؟

*

هیچ مکن، جز آنکه به تسلیم در آئی.

*

آموزگار در میانه حالت می گوید:

« اندیشه ای را که در این لحظه در ذهن خود داری،

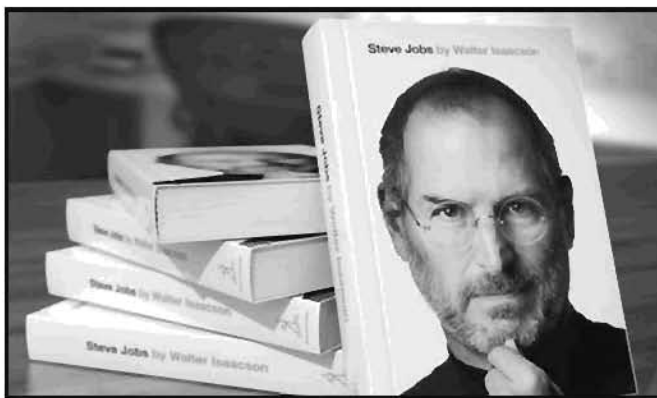
برزبان جاری کن! »

زیرنویس:

۱- Leza Lowits ۲-Anja Borgstrom ۳- Peter Goldman

۴- Stone Bridge Press

زندگینامه استیو جابز در اس فهرست کتاب های پُر فروش



Diary of a Wimpy Kid: The Ugly Truth که در هفته اول انتشار خود در ماه نوامبر سال گذشته از چنین فروشی برخوردار بودند، این اولین بار است که در سال جاری یک زندگینامه به این تعداد به فروش رفته و حتی از کتاب پُر فروش جان گیرشام موسوم به The Litigators نیز پیشی گرفته است.

استیو جابز رئیس کمپانی اپل که با نوآوری های خود در دنیای کامپیوتر و وسائل دیجیتال تحولی عظیم در وسائل و شیوه های ارتباطی جهان به وجود آورد، چندی پیش بر اثر بیماری سرطان درگذشت و دوستان خود را از پیر و جوان در غم و اندوهی عمیق و جانکاه فرو برد. با این حال، کتاب زندگینامه جابز، نوشته والتر ایساکسون در هفته اول انتشار خود، با فروش نزدیک به چهار صد هزار نسخه، در رأس فهرست کتاب های پُر فروش سال در آمد و تاکنون بیش از یک میلیون نسخه به فروش رفته است. والتر ایساکسون یکی از سردبیران سابق مجله تایم و نویسنده زندگینامه چهره هایی مانند آلبرت اینشتین و بنجامین فرنکلین است. این کتاب شامل ۴۰ مصاحبه با ۱۰۰ نفر از همکاران، کارمندان، رقبا و خانواده استیو جابز است که از سال ۲۰۰۹ جمع آوری شده است.

در مقایسه با کتاب اتوبیوگرافی پرزیدنت جورج بوش - Decision Points - و جف کینی بنام

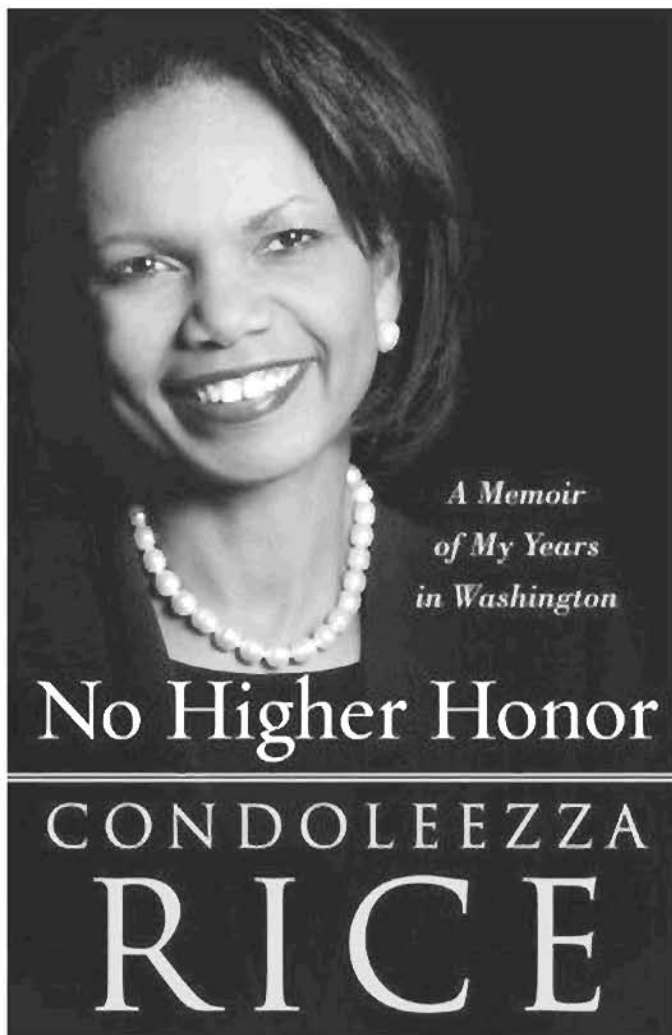
بزرگترین افتخار: خاطرات سال

کرده است که بخش زیادی از کتاب هفتصد صفحه ای او را در بر می گیرد. بخش دیگری هم در این کتاب راجع به کوشش خارق العاده رایس آمده است که مربوط به سال ۱۹۸۸ می شود که بوش هنوز فرماندار تگزاس بود و رایس می کوشید او را با مسائل و امور خارجه آمریکا آشنا کند تا بتواند برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ آماده شود.

با این همه، وقتی که جنگ در عراق و افغانستان، خلیج گوانتانامو - زندان تروریست ها - نزاع با کره شمالی و ایران را بخاطر ساختن بمب اتمی در نظر می گیریم، به این نتیجه می رسیم که رایس نه تنها با مسائل و مشکلاتی بسیار عمیق و غامض سر و کار داشته، بلکه آدم های افراطی و جنگ طلبی چون معاون ریاست جمهوری و وزیر دفاع سد راهش بوده اند و نمی توانسته است عقاید و نظرات خود را به سادگی و آنچنان که می خواهد به آدمکی کوکی چون بوش بقبولاند.

رایس در مقام وزارت خارجه، بی تردید، اشتغالات ذهنی بسیار داشته است، ولی خاطرات او از مرحله دفاع از میراث بازمانده بوش فراتر نمی رود و مثل خاطرات دیک چی نی و دیگران، زوایای تاریک و پیچیده سیاستمداری، قانونگزاری و مسائل و امور جهانی را روشن نمی کند. به همین جهت، نمی توان با دیدی خوشبینانه به این خاطرات نگریست و از درستی و نادرستی سیاست های داخلی و خارجی بوش و علل اعمال آنها، درسی آموخت تا تاریخ دوباره تکرار نشود. شاید به همین دلیل باشد که کتاب رایس شباهت زیادی به یادداشت های روزانه اش در کاخ سفید دارد تا بررسی و تحلیل سیاست های آمریکا و جهان که در دوره بوش فصلی از پُر آشوبترین فصل های تاریخ جهان است و بی تردید، مورخان آینده با نگاه دیگری آن را بررسی و قضاوت خواهند کرد.

رایس علاوه بر قضاوت نادرست درباره بعضی از سران دولت ها از جمله ولادیمیر پوتین، خودش را همچنان در مورد مسائل نژادی ملامت می کند. خصوصاً در مورد توفان کاترینا در



کاندالیزا رایس با انتشار کتاب خود، «بزرگترین افتخار»، عقاید و نظرات سیاسی خود را علاوه بر اختلافاتش با دیگر اعضای کابینه بوش در مدتی که به عنوان مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه با پرزیدنت بوش همکاری داشته است، در اختیار مردم آمریکا قرار داده است.

رایس در خاطرات خود از موفقیت ها و ندامت هایش در دوران خدمت در کاخ سفید سخن می گوید و از اختلافاتش با دیک چی نی، معاون ریاست جمهوری و دونالد رامسفیلد، وزیر دفاع آمریکا در مورد سیاست های روز آمریکا و جهان پرده بر می گیرد. او از اینکه معمر قذافی به او نظر داشته و در ضیافت خصوصی شامی با او در آشپزخانه اش شرکت کرده و نیز مرخصی رفتن در زمانی که توفان کاترینا در نیوآرلئان در گرفت، تأسف و ندامت خود را ابراز می کند.

با این حال، رایس مسائل بی شمار دیگری را هم در کتابش مطرح

های خدمت من در واشینگتن؛ نوشته کاندالیزا رایس

سیاست‌های بوش حمایت کند و رسانه‌های گروهی را مسئول دامن زدن به اختلافات سیاست‌های داخلی و خارجی و غیر منطقی جلوه دادن آنها می‌داند. ولی با توجه به مسائل مهم خاور میانه، رشد و افزایش و ساختن بمب اتمی، و تروریسم که هنوز هم مثل زمان بوش لاینحل مانده‌اند، این پرسش مطرح می‌شود که چرا رایس در زمانی که مشاور و وزیر خارجه بوش بود به فکر حل و فصل آنها نیفتاد و نتوانست به بوش بیاموزد که چگونه باید با مردم آمریکا و دنیا رفتار کند!

رایس در باره واقعه یازده سپتامبر که آمریکا و دولت بوش را به لرزه در آورد می‌نویسد که همه کوشش ما بر این بود که سیاست‌های اتخاذ و اعمال کنیم که دیگر چنین وقایعی روی ندهد و به کشورهای تروریستی نیز هشدار دهیم که آمریکا هر واقعه را با حمله نظامی و انهدام آنها تلافی خواهد کرد. اما این کار ساده‌ای نبود زیرا باید مردم آمریکا و سران دولت‌های متفق را نیز متقاعد می‌کردیم. بر روی هم، رایس می‌کوشد تا از

یکی از ایالات پُر جمعیت سیاهپوست. رایس از این قضیه که به هنگام توفان کاترینا به نیویورک برای خرید و تماشای تناثر رفته بود اظهار ندامت می‌کند و می‌نویسد که فکر نمی‌کردم کسی از من انتظاری دارد ولی بعد که مورد سرزنش مطبوعات قرار گرفتم به این نکته بیشتر واقف شدم که گرچه من وزیر خارجه بودم ولی یکی از عالیرتبه‌ترین عضو سیاهپوست کابینه و در عین حال مشاور پرزیدنت هم بودم و باید احساس همدردی خودم را به گونه‌ای نشان می‌دادم.

آدم خبیثی که مسیح مصلوب را دنبال خود می‌کشد



چندی پیش ماموران دولت آمریکا یک تابلو نقاشی ایتالیایی را که ۴۷۳ سال از عمر آن می‌گذرد، توقیف کردند. گفته می‌شود که این تابلو که در موزه فلوریدا به نمایش گذاشته شده است به وسیله نازی‌ها از یک خانواده یهودی در زمان جنگ جهانی دوم دزدیده شده است و باید به وارثان این خانواده بازگردانده شود. پاملا مارچ، وکیل آمریکائی اعلام کرد این تابلو در اختیار دولت فدرال آمریکا قرار خواهد گرفت تا اینکه یکی از قضات فدرال صاحبان واقعی آن را مشخص و پیدا کند. این تابلو، «آدم خبیثی که مسیح مصلوب را دنبال خود می‌کشد» (Christ Carrying the Cross Dragged by a Rogue) نام دارد و اثر گیرولامورومانو، (Girolamo Romano) نقاش ایتالیایی دوره رنسانس است. تابلو مسیح مصلوب یکی از پنجاه تابلویی است که از سوی موزه میلان برای نمایش در موزه مری بوروگان به این موزه قرض داده شده بود و بر اثر شکایت چند هنرشناس که در مالکیت آن شک داشتند، سرانجام به وسیله دولت آمریکا مصادره شد.

هسکل وکسلر برندهٔ جایزه اسکار

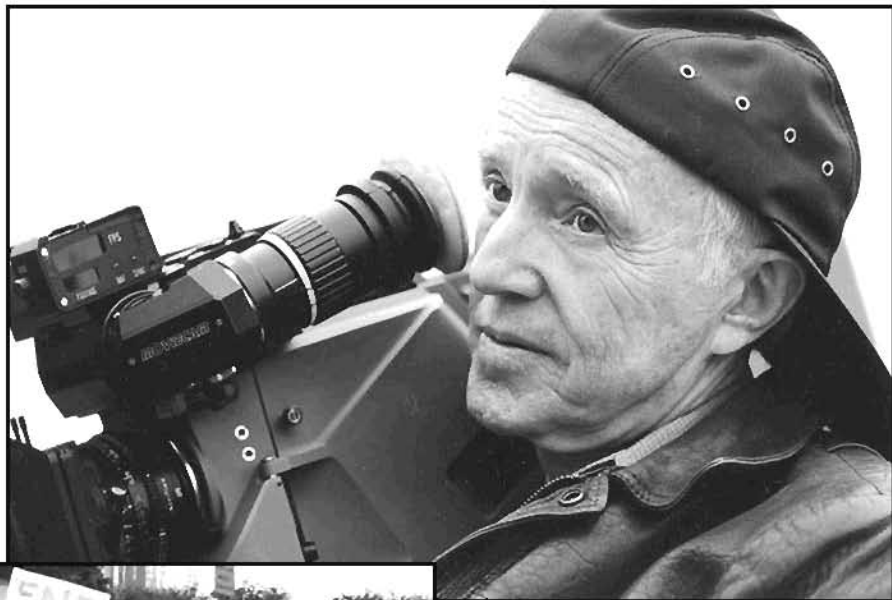
از جنبش اعتراضی لس آنجلس فیلم می سازد

بود که به فکر فیلمبرداری از این جنبش اعتراضی افتاد. او می گوید: «این جنبش ها در اطراف مملکت جریان یافته بود اما در نیویورک و لس آنجلس بیشتر. ولی هفته ها طول کشید تا رسانه های گروهی و قراردادی به آنها توجه کنند. من قصدم این بود که به محل آنها بروم و ببینم چه اتفاقاتی در شرف تکوین است.»

وکسلر به هر دو جنبش عدالت اقتصادی و تناثر سیاسی علاقه مند است و برخلاف اینکه از زندگی مرفه یک فیلمبردار موفق هالیوودی برخوردار است ولی با اعتراض کنندگان احساس خویشاوندی و یگانگی می کند. وکسلر می افزاید: «شما می توانید از پوششی که محافظ شماست، استفاده کنید و به خودتان بگوئید که دیگر پیر شده اید و چیزی را که در زندگی می خواسته اید انجام داده اید. ولی چیزی در درونم به من می گوید آنچه که می خواهم همان چیزی است که

مرا زنده نگه می دارد: داشتن یک دوربین و یک فکر و انگیزه ای که به من لذت می بخشد.»

الن بارکر و جونن چرچیل، فیلمسازان مستند وکسلر را چند روزی در فیلمبرداری اش از اعتراض کنندگان لس آنجلس همراهی کرده اند. این بخشی از پروژه سه ساله



مدارکی را که برای محکومیت زمامداران وال استریت می خواهد، به دست آورد.

وکسلر صحنه های موجز و کوتاهی از فیلمبرداری های خود را در یوتیوب و وب سایت های مختلف گذاشته تا مردم با این مدارک او بیشتر آشنا شوند. وکسلر که در طول عمر خود یک فعال سیاسی و هنرمندی آزادیخواه بوده است، یکی از نخستین کسانی

اعتراض کنندگان لس آنجلس که سیتی هال این شهر را به صورت اقامتگاه خود در آورده اند، توجه عکاسان و روزنامه نگاران را از سراسر جهان به خود جلب کرده اند. اما اغلب این عکاسان و روزنامه نگاران از کارنامهٔ پُربار هسکل وکسلر برخوردار نیستند.

هسکل وکسلر (Haskell Wexler)، فیلمبردار و مستند سازی است که دو بار جایزهٔ اسکار را به خود اختصاص داده است و با اینکه هشتاد و نه سال از عمرش می گذرد هنوز و همچنان فعال است و در پی ثبت و ضبط بی عدالتی های جامعهٔ ازمنه آمریکایی است! وکسلر با دوربین کوچک دیجیتال خود بارها به اقامتگاه معترضین مراجعه و از آنها فیلمبرداری کرده است تا

۱۹۶۰ مشکل اقتصادی بخصوصی وجود نداشت ولی جنبش امسال تهدیدی برای ریشه کن کردن یک سیستم اقتصادی است که ابدأ با دموکراسی سازگار نیست.»

وکسلر که در سال های اخیر توجه خود را به ساختن فیلم های مستند معطوف کرده است اضافه می کند: «فرق اصلی فیلم مستند با داستانی در این است که فیلم مستند به بُشُرۀ فیلمساز نزدیکتر است و در مقایسه با فیلم های پُرخرج و مجلل داستانی، فیلمساز کنترل بیشتری روی فیلم خود دارد. همچنین، بیشتر به فیلمساز و شاید یکی دو نفری که با او همکاری می کنند، تعلق دارد. من عاشق فیلم های مستندم!»

می ترسد» دریافت کرد و دومین جایزهٔ اوسکار را برای فیلم Bound for Glory در سال ۱۹۷۶ به دست آورد. وکسلر مدیر فیلمبرداری فیلم های به یادماندنی «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» و «در گرمای شب» نیز بوده است. با این حال، وکسلر توجه و تحسین همگان را با ساختن فیلم سینما-حقیقت گونه و کم بودجهٔ خود موسوم به Medium Cool در میان خیل اعتراض کنندگان و خشونت پلیس در خارج از کنوانسیون حزب دموکرات که در سال ۱۹۶۸ تشکیل شده بود، برانگیخت.

وکسلر دربارهٔ تجربه اش در آن سال می گوید: «فرق میان تظاهرات آن سال با معترضان امسال در این است که در دههٔ

آنهاست برای ساختن فیلم مستندی از زندگی، هنر و فعالیت های سیاسی وکسلر. آنها می گویند: «ما علاوه بر اینکه فعالیت های او را دنبال می کنیم، به سبک خاص مصاحبه های او با معترضان هم توجه داریم؛ وکسلر در تمام طول عمر خود فعال سیاسی بوده است ولی او از همه می پرسد که موضع آنها چیست و اعتراضشان برای چه!»

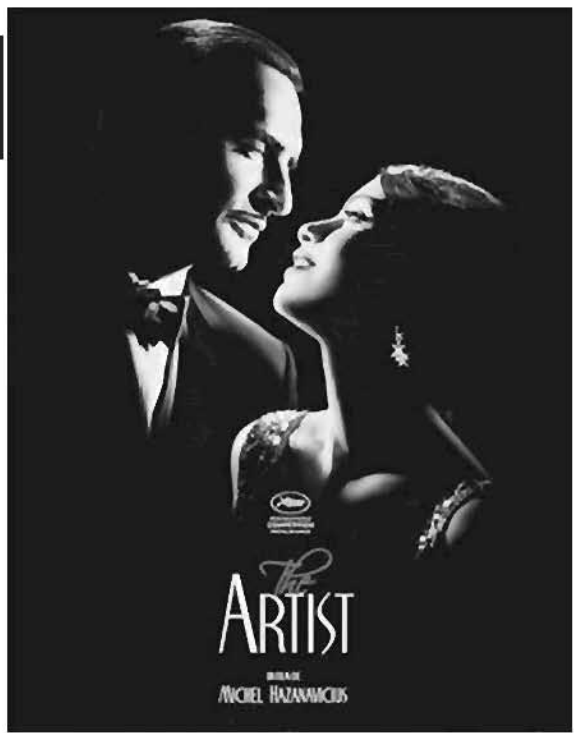
حرفه وکسلر با ساختن فیلم مستند و کار در تلویزیون آغاز شد ولی او بی درنگ وارد عرصهٔ سینما شد و در فیلم «آمریکا، آمریکا» ساختهٔ الیا کازان در سال ۱۹۶۳ به کار پرداخت. چند سال بعد، اولین جایزهٔ اوسکار خود را برای فیلم «چه کسی از ویرجینیا وولف

بهترین فیلم های سال و اوسکار

آکادمی علوم و هنرهای سینما که در دو سه سال اخیر برخی از قوانین خود را نسبت به انتخاب بهترین فیلم های سال تغییر داده، امسال نیز تغییر دیگری به وجود آورده است. سال گذشته اعضای آکادمی فقط در طبقه بندی بهترین فیلم های سال می توانستند ده فیلم را به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب کنند ولی امسال هر فیلمی که به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب می شود باید دست کم پنج درصد از آراء اعضا را، بطور تخمین حدود ۲۴۰ رأی، به دست آورد. این قضیه احتمالاً به انتخاب ده فیلم نمی انجامد و ممکن است امسال فقط بین پنج تا هفت یا هشت فیلم به عنوان بهترین فیلم های سال انتخاب شوند. با این حال، برخلاف سال گذشته که دو فیلم «سخنرانی شاه» و «شبکه اجتماعی» از برندگان قطعی بهترین فیلم سال بودند و با

یکدیگر رقابت سرسختانه ای داشتند، امسال هیچ فیلمی به عنوان برندهٔ قطعی به نظر نمی رسد.

اما صرفنظر از فیلم های بزرگانی چون کلینت ایستوود (J. Edgar)، استیون اسپیلبرگ (War Horse)، و مارتین اسکورسیسی (Hugo)، فیلم صامتی موسوم به The Artist توجه منتقدان و تماشاگران را به خود جلب کرده است و نه تنها احتمالاً به عنوان یکی از بهترین فیلم های سال انتخاب خواهد شد بلکه در این طبقه بندی با فیلم های دیگر رقابت خواهد کرد. این فیلم سیاه و سفید و بدون دیالوگ از جذابیت خاصی برخوردار است و تاکنون در جشنواره ها جوایز متعددی نیز دریافت کرده است.



نامزدهای نهایی هشتاد و چهارمین دورهٔ جوایز آکادمی اسکار روز ۲۴ ژانویه معرفی خواهند شد و مراسم اعطای جوایز نیز روز ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ در سالن تئاتر کداک لس آنجلس برگزار، و مراسم آن از شبکه تلویزیونی ABC پخش می شود.